

رسول قربانی*

ضرورت تدوین استراتژی فضای سبز شهری

مقدمه

رشد فزاینده جمعیت شهری و محدود شدن دسترسی ساکنان شهرها به فضاهای سبز، در کنار افزایش اهمیت آن در گذران اوقات فراغت به توسعه و ساماندهی فضاهای مذکور در شهرسازی معاصر جایگاه ویژه‌ای داده است، ولی غلبهٔ بینش اقتصادی بر روند شهرسازی کشور، مانع توجه کافی به این مهم شده است؛ به نحوی که در حال حاضر اکثر سکونتگاههای شهری ما فاقد فضای سبز مناسب و کارا می‌باشند.

توسعه و ساماندهی فضاهای سبز شهری در شرایط کنونی، مستلزم استراتژی جامعی است که بتواند راهکارهای لازم را در اختیار مدیران و مجریان شهری قرار داده، مبنای تصمیمها و برنامه‌ریزی‌های آنان باشد.

* عضو هیأت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز

تحلیل برخوردهای موجود و آشنایی با تجارب توسعه و بهره‌برداری بهینه از فضاهای سبز از گامهای اساسی در تحقق چنین امری است که موضوع بررسی حاضر قرار گرفته است.

۱- اهمیت فضای سبز شهری و برخورد با آن در شرایط حاضر:

اقلیم نسبتاً خشک کشور ما موجبات محدودیت و آسیب‌پذیری شدید فضاهای سبز را فراهم نموده و گسترشهای شهری عرصه را بر توسعه این فضاها تنگتر کرده است، در حالی که امروزه برخورداری از امکان‌گذران اوقات فراغت در فضاهای آزاد و سبز از ارکان اصلی توسعه به‌شمار می‌آید و فضاهای مذکور بهترین مکان برای تجدید قوای روحی و جسمی محسوب می‌شوند. (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱، ص ۲۰۶)

با وجود این، طرحهای کالبدی شهری که تبیین‌کننده جایگاه فضای سبز تفریحی در توسعه‌های شهری بوده و هستند کمتر در صدد گسترش منطقی آن برآمده‌اند و در بیشتر موارد، تخصیص زمین به کاربری مذکور بیش از آنکه ناشی از ضرورت‌های عملکردی آن باشد به عنوان مکمل فرم شهر عمل نموده است. جالبتر آنکه زمین اختصاص یافته به فضای سبز، در موارد بسیاری در فرآیند توسعه شهری، به سایر کاربری‌ها تغییر یافته‌اند. (قربانی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۵)

مورد دیگر باغهای میوه و زمینهای مشجری هستند که در جریان توسعه شهری به درون بافت مسکونی کشیده شده و به لحاظ اینکه ارزش محصولات کشاورزی آنها نمی‌تواند با ارزش افزوده زمین رقابت کند. در شرایط منع قانونی برای تغییر وضعیت، خشکانیده شده و از بین می‌روند.

همچنین بسیاری از چشم‌اندازهای زیبای پیرامون شهرها نظیر جنگلهای طبیعی، درّه‌های کوهستانی، چشمه‌سارها و باغهای کشاورزی همه روزه مورد دستکاری واقع شده و به ساخت و سازهای مسکونی و غیر مسکونی اختصاص می‌یابند. (رک: لقایی، ۱۳۶۸، ص ۵۰)

در چنین شرایطی برنامه‌ریزی فضای سبز در کشور به علت مدوّن نبودن مبانی علمی و جایگاه قانونی آن، از حدّ تعیین سرانه و کاربری سبز در طرحهای شهری فراتر نرفته است و تجربه دهه‌های گذشته حاکی از ناکارآمد بودن این شیوه در برخورد با تفاوت اقلیمی، اقتصادی و فرهنگی شهرهای مورد عمل بوده است.

۲- تجارب و گزینه‌های موجود برای توسعه و توزیع فضای سبز شهری:

مکانیابی صحیح و توزیع مناسب فضاهای سبز با عملکردهای مختلف آنها، رابطه مستقیم دارد. بدین منظور ابتدا به کاربردهای مرسوم این فضاها اشاره شده و سپس به بررسی مدل‌های توزیع آنها می‌پردازیم:

الف: عملکردهای فضای سبز:

در منابع مختلف موارد بسیاری از کاربرد گیاهان در فضاهای شهر مورد توجه قرار گرفته و طبقه‌بندی‌های گوناگونی از عملکرد آنها ارائه گردیده است که موارد زیر با اهداف این نوشته سازگارتر است:

۱- عملکرد کالبدی: فضای سبز به عنوان بخشی از ساخت کالبدی شهر، نقش تعریف لبه شهر، تفکیک فضاهای شهری، ایجاد حفاظ و آرایش شبکه‌های

شهری را بر عهده دارد.

۲ - عملکرد زیست محیطی: در این نقش فضای سبز برای کنترل آلودگیها و عوامل اقلیمی نظیر اشعه آفتاب، باران، باد و درجه حرارت بکار می‌رود. (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۱)

۳ - عملکرد روانی - اجتماعی: فضاهای سبز و پارکها، محل گردش و تفریح مردم هستند و نشانه و معیار سلامت و بهداشت محیط محسوب می‌شوند، در واقع پارکها کانون حیاتی شهرها هستند و در گذران اوقات فراغت و تفریح اقشار قابل توجهی از مردم نقش اساسی دارند. (حردانی، ۱۳۷۱، ص ۱۱) با وجود اهمیت فراوان و کارآیی بسیار بالا و متنوع گیاهان در محیطهای شهری، بهره‌برداری مطلوب از آنها زمانی میسر خواهد بود که گیاه مناسب برای هر مکان و مکان مناسب برای کشت گیاهان با توجه به مطلوبیت‌های زمانی، مکانی و سیستمی هر شهر انتخاب شود تا کارآیی فضای سبز به حداکثر افزایش یابد.

ب: تجارب و مدل‌های توزیع فضای سبز:

به طور کلی دو نگرش متفاوت در مورد نحوه توزیع فضای سبز در شهر وجود دارد. بر مبنای نگرش اول ساخت کالبدی شهر بر اثر تمرکز و تداوم فضای سبز، تکمیل شده و یک مجموعه سبز با محیطی آرام در مقابل محیط شلوغ شهری فراهم می‌آید، تعریف قلمروهای شهری، به وجود آوردن محیطهای آرام و ایجاد تنوع در محیط شهری از امتیازات این نحوه توزیع می‌باشد. در مقابل بر مبنای نگرش دوم فضای سبز باید به صورت قطعات کوچک در تمامی سطح شهر توزیع شود تا همگان بتوانند به سادگی بدان

دست یابند. از این دیدگاه فضای سبز در زندگی شهری ادغام و جزئی از آن می‌شود. (Lynch, 1984, 436)

ادامه مطلب نشان خواهد داد که این دو نظریه در شهرهای پیشرفته جهان در کنار هم عمل نموده‌اند و در ترجیح به کارگیری یکی از آن دو در شهرهای کشورمان بایستی مقتضیات بومی هر شهر مورد توجه قرار گیرد. با توجه به نگرشهای مذکور، مدل‌های رایج در توزیع فضای سبز درون و حاشیه شهری را براساس تجارب کشورهای توسعه یافته، مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱ - کمربند سبز (*green belt*): در این مدل، فضای سبز به صورت حلقه یا حلقه‌هایی پیرامون بافت قدیمی یا فعلی شهر را احاطه نموده، برای حفاظت شهرها در برابر آلودگی، تلطیف هوا، محدود کردن شهر و جدا کردن بخش درونی از بخشهای پیرامونی به کار می‌رود. از کمربند سبز در برخی شهرهای اروپا، به جای باروهای قدیمی و همچنین در طرح شهری لندن، برای محدود نمودن توسعه آن استفاده شده است. (رک: سید صدر، ۱۳۶۹، ص ۱۶۶)

۲ - کمانهای سبز (*green wedge*): براساس این مدل فضای سبز پیرامون شهر در قلب آن متمرکز شده، از آنجا به طرف بیرون گسترش می‌یابد. بدین ترتیب همه نواحی شهری به فضاهای سبز و آزاد دسترسی پیدا می‌کنند. شعاعهای سبز از نزدیکی مرکز شهر شروع، و به طرف بیرون گسترش یافته، پیرامون شهر را احاطه می‌نمایند. این مدل بیشتر در شهرهایی که با ساخت ستاره‌ای گسترش یافته‌اند قابل اجراست. در طرح جامع مسکو به علت عبور رودخانه از وسط شهر امکان تحقق عینی این مدل فراهم شده است. لیکن

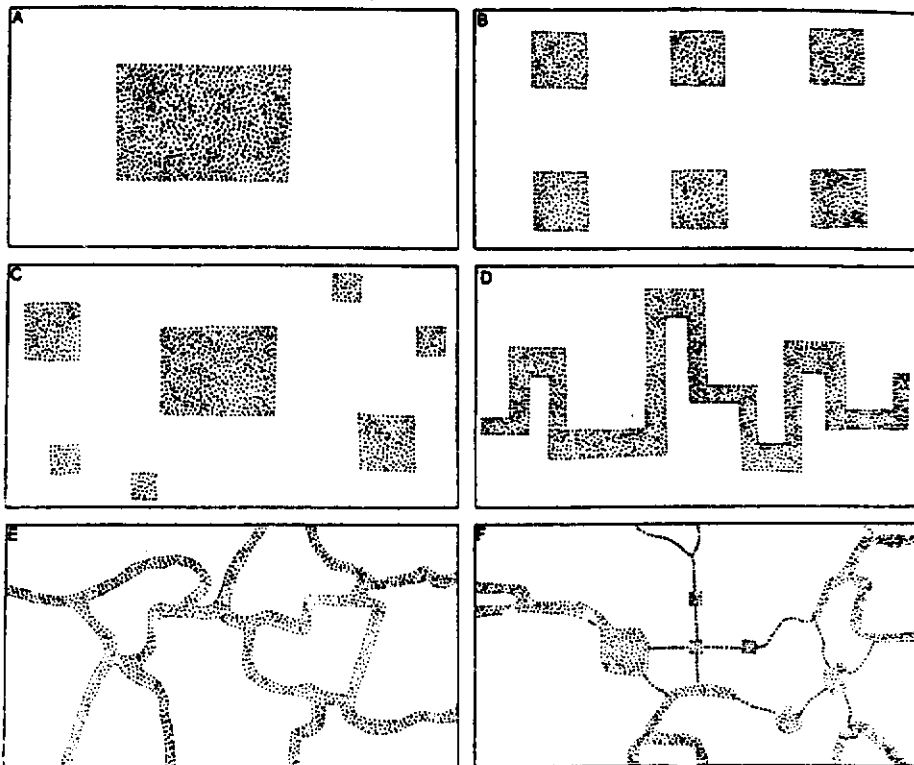
نمونه عملی آن در جاهای دیگر کمتر دیده شده است.
(Lynch, 1984, p.382)

۳- شبکه‌های سبز (*green network*): در این مدل، فضاهای سبز در کویها و نواحی، متمرکز شده و از طریق محورهای سبز به همدیگر متصل می‌شوند و برای تداوم فضای سبز در شهر در محل تقاطع محورهای سبز با محورهای ارتباطی در تقاطع‌های غیر همسطح استفاده می‌شود و از محورهای سبز برای مسیرهای پیاده و دوچرخه استفاده می‌گردد. این الگو با ساخت شطرنجی شهر سازگاری دارد و بیشتر در شهرهای نوین یاد بکار رفته است. از این مدل در طرح جامع تهران برای تعریف حدود نواحی شهری استفاده شده لیکن در عمل به اجرا در نیامده است.

۴- سیستم پارک یا پارک‌های سلسله مراتبی (*system parks*): این ایده که بیشتر برگرفته از دیدگاه دوم در توزیع فضای سبز می‌باشد، سیستم فضای سبز را به صورت قطعاتی سبز با اندازه‌ها و عملکردهای مختلف در قالب تقسیمات کالبدی شهر تعریف می‌نماید که در آن فضای سبز از پارک همسایگی با عملکردهای محدود شروع و به پارک شهری در منطقه با عملکردهای متنوع منتهی می‌شود. (Turner, 1992, p373) این مدل را می‌توان در بسیاری از شهرهای کشورهای توسعه یافته که از سابقه شهرسازی طولانی تری برخوردار هستند سراغ گرفت.

براساس تحقیقی که توسط (Tom Turner) در مورد سیر تحول برخورد با فضای سبز لندن، صورت گرفته، شش گزینه زیر برای تامین فضای سبز در داخل شهر، تا کنون مورد عمل واقع شده است.

نمودار گزینه‌های تامین فضای سبز شهری



ماخذ: (Turner, 1992, P383)

گزینه A در پارک مرکزی نیویورک به کار رفته است، گزینه B در قرن ۱۸ در میدین مسکونی لندن ایجاد شده بوده است. گزینه C نشان دهنده سلسله مراتب فضاهای سبز و آزاد در طرح توسعه لندن بزرگ است. گزینه E, D در روش متفاوت ایجاد فضاهای سبز متصل را بر پایه خیابانهای مخصوص پیاده و دژه‌های رودخانه‌ای نشان می‌دهد. گزینه F شبکه‌ای از فضاهای سبز و آزاد را که متشکل از پارکهای ساحلی روخانه، مراکز خود اشتغالی، پارکهای تفریحی، پیاده‌روها و «مال»های تجاری (*Malls*) است، ارائه می‌نمایند. گزینه F مبنای تدوین استراتژی فضای سبز لندن در سال ۱۹۹۰ بوده است. (*Turner, 1992, p383*) با توجه به تنوع جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی شهرهای کشور، می‌توان یک مدل یا تلفیقی از چند مدل برای بهبود فضای سبز به کار گرفت. لیکن تخصیص زمین برای این منظور کافی نیست؛ بلکه بایستی با ارائه تمهیداتی فضاهای تخصیص یافته را به محیطهای فعال در سیستم شهری تبدیل کرد.

۳- تجارب موجود در زمینه بهبود کارایی فضاهای سبز:

در راستای توسعه و توزیع فضای سبز، نکته حائز اهمیتی که بایستی مورد توجه قرار گیرد، بهره‌برداری مطلوب و مناسب از مکانهای تخصیص یافته به این منظور می‌باشد تا شرایط برای حفظ، توسعه و نگهداری مناسب فضاهای سبز فراهم گردد. این امر با توجه به تجارب ملی و جهانی به عوامل زیر بستگی دارد.

الف - بهره‌گیری از شرایط مکانی و ویژگیهای طبیعی هر مکان

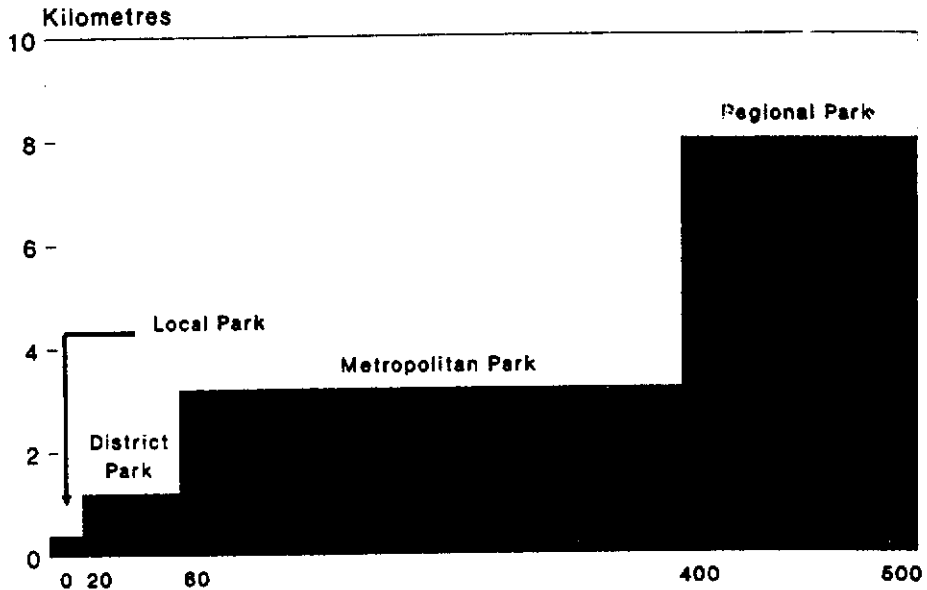
در احداث فضای سبز: طراحی فضاهای سبز در مکانهای انتخاب شده چه از

نظر تأسیسات و تجهیزات مورد نیاز و چه به لحاظ گونه‌های گیاهی بایستی با شرایط مکانی سازگاری کافی داشته باشد تا بدون صرف هزینه اضافی امکان ایجاد و نگهداری محیطهای سبز و شاداب ممکن شود.

ب - انطباق فضاهای سبز با نیازهای استفاده کنندگان: طراحی و احداث فضاهای سبز بایستی با توجه به ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی استفاده کنندگان صورت گیرد و لازمه این امر تنوع فضاهای سبز متناسب با تنوع گروههای اجتماعی است. برای تحقق بخشیدن به چنین هدفی علاوه بر رعایت سلسله مراتب عملکردی پارکها، هویت بخشیدن به آنها با توجه به ویژگیهای فیزیکی، جغرافیایی و موقعیتهای مکانی و عرصه تفرجگاهی نیز ضرورت دارد. (رک: مجنونیان، ۱۳۷۴، ص ۱۸۲)

ج - دسترسی: سهولت دسترسی به فضاهای سبز از طریق سیستم‌های مختلف حمل و نقل (پیاده، دوچرخه، وسائط نقلیه عمومی و شخصی) و همچنین هزینه دسترسی، نقش اساسی در میزان استفاده از فضاهای مذکور دارد. علاوه بر تأثیر عامل هزینه، مطالعه‌ای که در شهر لندن صورت گرفته بیانگر رابطه معنی دار بین نوع و اندازه پارک‌های شهری و شعاع مراجعه به آنها می‌باشد.

دیاگرام همبستگی بین اندازه و شعاع مراجعه به آن براساس مطالعات شورای حومه لندن



مأخذ: (Turner, 1992, P327)

همچنین مطالعه‌ای که در مورد پارک طالقانی تهران انجام شده بیانگر وجود رابطه معکوس بین بهای ورودیه و تعداد مراجعه به پارک است. (مجنونیان، ۱۳۷۴، ص ۱۲۵)

د - کیفیت فضای سبز: مردم برای احساس آرامش، تجدید قوا و کسب نشاط به پارک و مکانهای تفریحی می‌روند در نتیجه راحتی، ایمنی و قابلیت استفاده این مکانها بایستی در حد کمال و عاری از عوامل تشنج‌زا باشد (Hultsman & others, 1987, p9) چشم‌اندازهای مناسب، نمادها، تأسیسات و تجهیزات مناسب، عوامل رفتاری و امنیت از عوامل ارتقای کیفیت می‌باشند.

ه - تداوم زمانی استفاده از فضای سبز: صرفه اقتصادی بهره‌برداری از فضای اشغال شده، ایجاب می‌کند که زمان بهره‌برداری در طول شبانه‌روز و در طی فصول از مدت بیشتری برخوردار باشد. نیل به این منظور از یک سو طراحی مناسب کاشت را ایجاب می‌کند تا با انتخاب گونه‌های مختلف در بافت، اندازه، رنگ و خزان پذیری، شادابی و زنده بودن محیط را برای مدت زمان طولانی‌تری حفظ نماید. (رک: Hannebaum, 1981, p163) از سوی دیگر تنوع تأسیسات را الزام می‌کند تا از نظر زمان بهره‌برداری، جریان فعالیتها را در این محیط دوام بخشند. موارد مذکور بخشی از تجارب کلی است که می‌تواند تشویق و مشارکت عمومی را در حفظ، توسعه و استفاده مناسب از فضاهای سبز برانگیزد و در چارچوب استراتژی جامع فضای سبز به موفقیت روند سبز کردن شهرها کمک نماید.

نتیجه‌گیری:

حرکت اساسی در فضای سبز زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که جایگاه واقعی آن به عنوان جزئی اساسی از سیستم شهری که وجود آن برای جریان مطلوب زندگی شهری الزامی است به خوبی شناخته شود و این فضاها با

توجه به اندازه و عملکرد آنها و ملحوظ نمودن شرایط طبیعی و اکوژیک هر شهر، با بهره‌گیری از تجارب و یافته‌های ملی در چهارچوب استراتژی جامع فضای سبز و طرح‌های متعاقب آن طراحی و مورد اجرا گذاشته شود.

از طرف دیگر با مطرح شدن روش علمی در برخورد با این مقوله، انتخاب گونه‌های گیاهی و تأسیسات و تجهیزات فضاهای سبز از محدوده سلیقه‌های فردی فراتر رفته و بعد تخصصی خواهد یافت و موجب کارایی بیشتر و هزینه کمتر خواهد شد.

قانونمند شدن فعالیت‌های مربوط نظیر تملک زمین، احداث تأسیسات، تهیه نهال و ماشین‌آلات و نظایر آن، نکته دیگری است که بالطبع به شکل‌گیری مدیریت قوی و سازمان یافته در این زمینه کمک خواهد کرد ارتقای کیفیت، شادابی محیط‌های شهری و بهبود کارایی آنها را به دنبال خواهد داشت. جایگاه قانونی چنین راهکارهایی می‌تواند در قالب طرح‌های توسعه شهری و منطقه‌ای با سایر بخش‌های کالبدی - فضایی شهر هماهنگ و در درون خود به صورت مبسوط تدوین شود.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - بهرام سلطانی، کامبیز، «مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی - محیط زیست» مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲ - مجنونیان، هنریک. «مباحثی پیرامون پارکها، فضای سبز و تفرجگاهها» سازمان پارکها و فضای سبز تهران، تهران، ۱۳۷۴.
- ۳ - سید صدر، ابولقاسم. «اصول شهرسازی» انتشارات بهارستان، تهران، ۱۳۶۹.
- ۴ - لقایی، حسنعلی. «ضرورت تشکیل پارکهای کوهستانی تهران» مجله محیطشناسی، شماره ۱۵، ۱۳۶۸.
- ۵ - قربانی، رسول. «ارزیابی طرح جامع ارومیه» دانشکده هنرهای زیبا - رساله کارشناسی ارشد، ۱۳۷۱.
- ۶ - حردانی، نادیا. «درختان برای زندگی» فصلنامه علمی فضای سبز، سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری تهران، تهران، ۱۳۷۱.
- 7 - Lynch, K. "Good City Form" MIT, America, 1984.
- 8 - Hannebaum, L. "Landscape Design" Reston Publishing Co. Reston, America, 1981.
- 9 - Turner, T. "Open Space Planning in London" town planning Review, 1992.
- 10 - Hultsman & others. "planning parks for people", venture publishing, America, 1987.

